

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

یکی از دستورات اسلام، رعایت حقوق والدین است که آیات و روایات بسیاری بر آن تأکید کرده است. (۱) در چند مورد از قرآن، بعد از توحید، احترام به والدین ذکر شده است؛ چنانکه امام سجاده (علیه السلام) در دعای ۲۴ صحیفه سجادیه در یک فراز از دعا در مورد شناخت مقام والدین، درخواست پیمودن راه آن‌ها و بیان جایگاه‌شان چنین عرضه می‌دارد:

اللَّهُمَّ وَ اخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ سَلَامِكَ وَ اخْصُصْ اللَّهُمَّ وَالِدَيَّ بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ، وَ الصَّلَاةِ مِنْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ (۲) بار خدایا! رحمت کن بر محمد، که بنده تو و فرستاده تو هست، و بر اهل بیت او، که پاک‌اند از آلایش‌ها، و مخصوص گردان ایشان را به فاضل‌ترین صلوات خود و رحمت خود و برکات خود و سلام خود و مخصوص گردان بار خدایا! پدر و مادر مرا به نیکویی و کرامت نزد خود، و به رحمت از جانب تو، برتری بخش، ای بخشنده‌ترین بخشاینده‌گان.

حضرت سید الساجدین (علیه السلام) در این دعا، بلندترین توفیقات را در احسان به والدین از خداوند مسئلت کرده، می‌گوید: ممتاز کن خدایا! پدر و مادر مرا به مکرّم و معزّز بودن آن‌ها نزد تو. (۳)

امام سجاده (علیه السلام) در فرازی از این دعا عرض می‌کند: "اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَلْهِمْنِي عِلْمَ مَا يَجِبُ لَهُمَا عَلَى إِبْنَاهُمَا؛" [۴] بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست، و دانستن آنچه درباره ایشان بر من واجب است، به من الهام نما و در دلم انداز. خدایا! حقوقی را که پدر و مادرم بر من دارند، به من الهام فرما "

علم به حلال و حرام خداوند از درون و اوهام آدمی سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه از وحی یا از آنچه وحی آن را امضا و تأیید نموده می‌آید؛ به همین دلیل است که امام سجاده (علیه السلام) از خداوند می‌خواهد که وی را به حقوق پدر و مادرش راهنمایی کند، تا با طاعت آن دو در همه امور، جز شرک به خداوند و معصیت او، ادای حقوق کند. (۵)

"علم مایجب" عبارت است از اطاعت نمودن از هر آنچه پدر و مادر می‌خواهند؛ مگر شرک به خدا، ترک واجبات و فعل محرمات. (۶)

روش شناسی حقوق والدین

۱. دعا در حق والدین

فرزندان اگر در حق پدر و مادر خود دعا کنند، دعایشان برآورده می‌شود، چون فرزند صالح یکی از صدقات جاریه (۷) پس از فوت انسان است؛ یعنی همان‌طور که آنان در زمان حیات برای والدین ثواب جمع می‌کنند، این ثواب پس از فوت آن‌ها نیز ادامه دارد. امام سجاده (علیه السلام) در فرازی از دعا می‌گوید: «وَاغْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا، وَ اغْفِرْ لَهُمَا بِرَّهِمَا بِي مَغْفِرَةٍ

حَتْمًا؛(۸) خداوند! بیامرز مرا به وسیله دعایی برای ایشان، و ایشان را به سبب مهربانی‌شان به من بیامرز، آمرزش پا برجا؛ یعنی اینکه در اجر این عمل که برای والدین دعا می‌کنم، مرا مورد بخشش خود قرار بده.(۹)

۲. خوش رفتاری با والدین

مکتب حیات بخش اسلام بر احترام، نیک رفتاری و احسان تأکید فروان دارد؛ زیرا بدین وسیله افراد به تکامل فردی و اجتماعی دست می‌یابند.

در میان نیکی‌ها، نیک رفتاری با پدر و مادر اهمیت دوچندان دارد. در قرآن نیز بارها، انسان به رفتار نیکو با پدر و مادر امر شده است. بهترین راه برای ابراز محبت به پدر و مادر، نرم گویی و خوش رفتاری با آن‌ها است.

امام سجاد(علیه السلام) در صحیفه سجادیه عرض می‌کند: "اللَّهُمَّ وَابْرُهُمَا بِرَ الْأُمِّ الرَّعُوفِ؛(۱۰) بار خدایا! با ایشان خوش رفتاری نمایم، هم‌چون خوش رفتاری مادری مهربان".

نزد پدر و مادر چیزی ارزشمندتر و برتر از نیکی و مهربانی فرزند در حق آن دو نیست. نیکی فرزند در حق پدر و مادر، ادای دین و حقی است که بر گردن فرزند است. با این وجود، پدر و مادر از نیکی فرزند بسیار شادمان و خرسند می‌شوند؛ آن‌سان که باغبان از میوه‌های درختان خود خشنود می‌گردد. فرزند نیکوکار و مهربان از خشنودی پدر و مادر احساس ادای دین می‌کند و از شادمانی آن دو خوشحال می‌شود.(۱۱) در فرازی دیگر آمده است: "اللَّهُمَّ وَاعْظِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي، وَصَبِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، وَعَلَيْهِمَا شَفِيقًا؛(۱۲) بار خدایا! دلم را بر آن‌ها مهربان کن، و مرا با ایشان سازگار و برآنان مهربان گردان."

۳. احترام به والدین

انسان می‌تواند با تعیین مسیر زندگی خوشبختی‌اش را تضمین کند، پدر و مادر، بهشت و جهنم فرزندان‌اند؛ یعنی فرزندان می‌توانند در برخورد با آن‌ها به گونه‌ای عمل کنند که در دنیا و آخرت، خوش‌بخت باشند یا برعکس، خود را بی‌چاره و بدبخت کنند. این اصل را هرگز فراموش نباید کرد و بایستی آن را سرلوحه زندگی قرارداد. فرزندان باید در هر شرایطی احترام والدین خود را نگه دارند و با احترام برخورد کنند، هر چند والدین در بعضی اوقات در رفتار با فرزندان خود دچار اشتباه شوند. امام سجاد(علیه السلام) در این فراز از دعا عرضه می‌دارد: "اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ؛(۱۳) بار خدایا! مرا چنان گردان که از پدر و مادرم بترسم، مانند ترسیدن از پادشاه ستم‌کار"

شکوه و عظمت پدر و مادر را تنها عارفان درمی‌یابند؛ حضرت زهرا(سلام الله علیها) می‌فرماید: «از شدت عظمت و هیبت پدرم نمی‌توانم با آن حضرت سخن گویم».(۱۴)

حضرت در این کلام زیبایشان متذکر می‌شود که احترام به والدین ارزشمند است و جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به گونه‌ای باید احترام آنان را نگه‌داری که گویی در حضور سلطانی خودکامه‌ای و به همان شیوه که نزد سلطان مؤدب و با احترام رفتار می‌کنی و مراقب اعمال هستی، در حضور والدین نیز بایستی چنین باشی.(۱۵)

بر این اساس بود که بزرگان دین همواره به والدین احترام می‌گذاشتند و بدان توصیه می‌کردند؛ چنانکه آیت‌الله خوئی: به والدین خویش کمال احترام را داشتند، حتی در راه رفتن. وقتی که ایشان برای دیدن طلاب از نجف به مدرسه فیضیه قم آمدند، با وجود مقامی که داشتند جلوی در ایستادند تا ابتدا پدرشان که یک روحانی ساده بود، داخل شود. (۱۶)

نقل شده جوانی از آیت‌الله فیض کاشانی دستورالعمل سلوک عرفانی خواست. ایشان هم برنامه چله‌نشینی را به او آموزش داد و این برنامه چند بار تکرار شد؛ اما جوان، نتیجه‌ای به دست نمی‌آورد. آیت‌الله فیض که از این اتفاق متعجب بود، از جوان پرسید: «رفتارت با پدر و مادر چگونه است؟» او پاسخ داد: «گاهی از رفتارهایشان ناراحت می‌شوم و نگاه خشم‌آلود به آن‌ها می‌کنم». این دانشمند بزرگ شیعه از شنیدن این سخن ناراحت شد و گفت: نگاه خشم‌آلودت به پدر و مادرت، توفیق طاعت را از تو گرفته است؛ زیرا یکی از حقوق والدین بر فرزند، خشوع و خضوع به آن‌ها در زمانی است که آن‌ها به تو ظمی روا می‌دارند. در نتیجه، خضوع و فروتنی راه‌کار درمانی دیگری است که نه تنها مانع از بی‌احترامی به والدین می‌شود، بلکه مسیر طاعت را نیز هموار می‌کند. (۱۷)

۴. اطاعت از والدین

از آن‌جا که پدر و مادر، دل‌سوزترین و خیرخواه‌ترین افراد در زندگی هر انسانی می‌باشند، قاعدتا او را به سمت خیر و صلاح، پیشرفت و سربلندی راهنمایی می‌کنند. بنابراین فرزند بایستی با تفکر در اوامر والدین و در نظر گرفتن رضای خدا، مطیع و فرمان‌بردارشان باشد، تا اسباب خشنودی آنان و خدای متعال را فراهم کند.

اطاعت از والدین در جهت جلب رضای خدا، وظیفه هر فرزندی است و عدم فرمانبرداری از ایشان موجب خشم و غضب الهی است. امام سجاد (علیه السلام) در این باره عرضه می‌دارد: "وَاجْعَلْ طَاعَتِي لِوَالِدَيَّ وَ بَرِّي بِهِمَا أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْطَانِ" (۱۸) اطاعت و نیکوکاری‌ام را در حق آنان، برایم از خواب در چشم خواب‌آلوده شیرین‌تر کن.

در اینجا شاید پرسیده شود که جلب رضایت والدین، تا چه حد و تا کجا لازم است. ممکن است به نظر برسد که باید به طور نامحدود در جهت تأمین رضایت والدین عمل کرد، اما این امر تا جایی جایز است که اطاعت از والدین، تضادی با اطاعت خداوند نداشته باشد.

۵. خدمت به والدین

خدمت به خلق خدا از خدمت به والدین آغاز می‌شود؛ اما نوع خدمت، بسیار اهمیت دارد. انجام دادن این عمل با ارزش، مشروط به شروطی است که در اینجا به آن‌ها پرداخته می‌شود.

شرایط خدمت به والدین

۱. خدمت به والدین باید با رغبت و حداکثر تواضع صورت گیرد؛ چرا که وجود کم‌ترین اکراه و نارضایتی در چهره یا عمل فرزند، سبب آزردن شدن ایشان می‌شود، به طوری که خود را سربار و باعث رنج و مشقت فرزند می‌پندارند. به این ترتیب، یا

از خدمات او شرمنده و سر افکنده می‌شوند، یا آزرده خاطر گشته، دیگر از او خدمت و کمکی نمی‌خواهند و این، خدمتی نیست که خداوند به آن امر نموده است.

۲. شرط دیگر خدمت به والدین، کوچک شمردن این خدمات است. عرضه می‌دارد: «أَسْتَكَثِّرَ بِرَّهْمَا بِي وَ إِنِّ قَلٌّ، وَ أَسْتَقِلَّ بِرِّي بِهِمَا وَ إِنِّ كَثْرٌ» (۱۹) خدایا! چنان کن که نیکی آن دو را در حق خود بسیار ببینم، اگر چه اندک باشد و نیکی خود را در حق آن‌ها اندک ببینم، اگر چه بسیار باشد» (۲۰).

غرض از زیاد شمردن نیکی‌های پدر و مادر اگر چه کم باشد و کم شمردن نیکی‌های فرزندان به آن دو گرچه زیاد باشد، بزرگ شمردن نیکی‌های پدر و مادر است تا رغبت فرزند به محبت و اطاعت از آن دو فزون شود، در شکرگزاری آن دو و به‌جا آوردن حقوقشان کوتاهی نکند، تلاش کند در زیاد نمودن نیکی به آن دو، آن‌گاه که آن را کم بشمرد و اکتفا نکند به کمی محبت و طاعت و نیکی، گرچه فی‌النفسه زیاد باشد (۲۱).

«أَسْتَكَثِّرَ بِرَّهْمَا بِي وَ إِنِّ قَلٌّ وَ أَسْتَقِلَّ بِرِّي بِهِمَا وَ إِنِّ كَثْرٌ؛ یعنی نیکی فرزند در حق پدر و مادر، در چشم و دل، کم و اندک جلوه کند هر چند فزون باشد و نیکی پدر و مادر در حق فرزند در چشم و دل فرزند، ارجمند، بزرگ و فزون آید، هر چند ناچیز باشد و این سخنان از سر فروتنی نیست بلکه از روی ایمان و عزت و عظمت نفس و شعور پویا به مسئولیت تکلیف است» (۲۲).

در اینجا به ذکر یک خاطره از سردار دل‌ها، شهید سلیمانی؛ می‌پردازیم:

هرگاه شهید سلیمانی از راه که می‌رسید، حاج حسن، پدرش را می‌برد حمام، بعدش خودش لباس‌های پدرش را می‌شست. می‌نشست کنار بابا دستش‌های چروکیده‌اش را نوازش می‌کرد و می‌بوسید. می‌رفت جورابش را می‌آورد و موقع پوشاندن جوراب لب‌هایش را می‌گذاشت کف پای پدرش. مادرش در بیمارستان بستری بود. از سوریه که آمد بی‌معطلی خودش را رساند بیمارستان. همین که آمد توی اتاق، از همه خواست بیرون بروند حتی برادر و خواهرهایش. وقتی با مادرش تنها شد، پتو را کنار زد. دستش را می‌کشید روی پاهای خسته مادر. حالا که صورتش را گذاشته بود کف پای مادر، اشک‌های چشمش پای مادر را شستشو می‌داد. (۲۳)

۶. سپاس‌گزاری از والدین

سپاس از ولی نعمت، مبتنی بر فطرت و عقلانیت است که خردورزان بر آن تأکید دارند. در قرآن نیز سپاس‌گزاری از والدین، جایگاه والایی دارد و بعد از شکر پروردگار، تشکر و قدردانی قرار گرفته است:

وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَ فِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ؛ (۲۴) و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش به او حمله شد [در حالی که] سستی به روی سستی [به او دست می‌داد] و باز گرفتنش [از شیر] در دو سال است [و سفارش کردیم] که برای من و پدر و مادرت سپاس‌گزاری کن.

بر همین اساس، امام سجاد (علیه السلام) برای والدین طلب خیر و برکت می‌کند؛ آن‌جا که می‌گوید:

"اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي، وَ أَثْنِهُمَا عَلَى تَكْرِمَتِي، وَ احْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صِغَرِي؛ (۲۵) بار خدایا! آنان را به پرورش من جزا ده، و در گرامی داشتن ام پاداش ده، و آنچه در کودکی از من نگهداری نموده‌اند، برای آن‌ها نگاه‌دار."

حضرت در اینجا بیان می‌کند که مرا قدرت جزا دادن ایشان نیست، جزا بده تو آنان را در عوض تربیت من. (۲۶) خداوند را شاکر است که جزا می‌دهد کمی طاعت را به زیادی ثواب. (۲۷) یکی از اسمای خداوند تبارک و تعالی، شکور است که اعمال کم بندگان نزد او زیاد است؛ پس مضاعف می‌کند برای آن‌ها جزا را.

مادرم روی مهت روح و روان است مرا مهر تو قوت تن، قوت جان است مرا

در دل اندیشه تو گنج نهان است مرا یک نگاه تو به از هر دو جهان است مرا

فارغم با تو ز هر خوب و بد ای پاک سرشت زیر پای تو نهاده است خدا باغ بهشت

همه آثار وجودم ز وجود تو بُود به خدا بود من از پرتو بود تو بود (۲۸)

۷. مؤدبانه سخن گفتن با والدین

یکی از نموده‌های گفتاری احسان به والدین، رعایت ادب در صحبت کردن با آنان است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «... فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ وَّ لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا...» (۲۹) ... بر آن‌ها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آن‌ها بگو...». بر این اساس؛ امام سجاده (علیه السلام) در فرازی از دعای ۲۴ صحیفه سجاده از خداوند متعال درخواست می‌کند که ادب گفتار با والدین را نصیب او کند: "اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي، وَ أَطْبِ لَهُمَا كَلَامِي، وَ أَلِنْ لَهُمَا عَرِيكَتِي؛ [۳۰] بار خدایا! صدایم را در برابر ایشان آهسته، و سخنم را خوشایند، و خویم را نرم نما".

خدایا! مرا توفیق بده به رعایت ادب با آن دو (پدر و مادر)، تا آن زمان که آنان را مورد خطاب قرار می‌دهم صدایم پایین باشد، همان‌طور که این آیین گفتگو با افراد بزرگ و با جلال است، هیبت پدر و بزرگی مقام و مقدار آن را حفظ کنم که همانا بالابردن صدا هنگام گفتگو از قانون ادب خارج است و نشان دهنده کوچکی و حقارت مخاطب می‌باشد، مخصوصاً در حق والدین. (۳۱)

۸. گذشت از خطای والدین

امام سجاده (علیه السلام) می‌گوید: "اللَّهُمَّ وَ مَا أَسْرَفَا عَلَىٰ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ، فَقَدْ وَهَبْتَهُ لَهُمَا؛ (۳۲) بار خدایا! آنچه (پدر و مادر) درباره من بی‌جا رفتار کرده‌اند، من آن را به آنان بخشیدم."

در اینجا سؤال آن است که اگر والدین خطایی در مقابل فرزندانشان مرتکب شدند واکنش فرزند چگونه باید باشد ؟

بزرگ‌ترین خطایی که والدین می‌توانند انجام بدهند آن است که فرزند خود را از راه توحید خارج و به کفر دعوت کنند. فرزند اگر معتقد به یگانگی خداوند متعال باشد، بر سر دوراهی سختی قرار گرفته است؛ از یک سمت، پایبندی به اعتقادات خودش و از طرف دیگر، علاقه و محبت به والدین و اطاعت از آن‌ها. این دعوا و نزاع درونی، او را به رنج و زحمت می‌اندازد. از یک سو می‌خواهد رسم بندگی و عبادت را به جا بیاورد که به طور قطع این کار موجب آزار و اذیت والدین می‌شود و از طرف دیگر، علاقه او به والدین خود ممکن است نگذارد او خدا را عبادت کند. فرزند وقتی که بر سر این دو راهی قرار می‌گیرد، خداوند متعال مسیر را برای وی باز می‌کند و دستورالعملی می‌دهد؛ آن‌جا که می‌فرماید: «إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا» (۳۳) اگر نیکی‌ها را آشکار یا مخفی سازید، و از بدی‌ها گذشت نمایید، خداوند بخشنده و تواناست خداوند متعال با وجود اینکه قادر بر انتقام است، عفو و گذشت می‌کند"

انسان صالح و وارسته، کسی است که وقتی به او احسان می‌شود، تشکر می‌کند و در مقام شکرگزاری، سخنان خوب می‌گوید و اگر کسی به او بدی کند یا ستم روا بدارد، می‌بخشد و از آشکار و بلند گفتن سخنان زشت به وی صرف نظر می‌کند. (۳۴)

وقتی والدین به فرزندان خود ظلم می‌کنند، آنان نباید مثل والدین خود در مقابل آن‌ها موضع بگیرند و زور بگویند و ظلم کنند.

چنانکه در نیایش آن حضرت آمده است: "اَللّٰهُمَّ وَ مَا تَعَذَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ اَوْ اَسْرَفَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ؛ (۳۵) بار خدا! آنچه پدر و مادر در گفتار با من تعذی نموده‌اند (سخنان ناروایی گفته‌اند) یا در کردار درباره من بی‌جا رفتار کرده‌اند من آنان را بخشیدم".

پس واجب است که در مقابل احسان‌های بی‌بدیل آن‌ها خاضعانه از برخی کوتاهی‌هایشان در گذرم و بدین‌سان اگر نتوانستم حقوق بسیار آنان را تدارک کنم، از تقصیرهای احتمالی که در حق من روا داشته‌اند، از خداوند برایشان طلب عفو کنم. (۳۶)

نتیجه‌گیری

خداوند تبارک و تعالی جایگاه ویژه‌ای برای والدین قرار داده است و آنان با توجه به این مقام و منزلت، بزرگ‌ترین حق را بر گردن فرزندان دارند. برای اجرای این حق و حقوق، در مرحله اول باید به شناخت حقوق والدین اقدام کرده، به طور شایسته آن‌ها را انجام دهیم. وقتی به حقوق والدین آگاهی پیدا کردیم باید آن‌ها را در رفتارمان به کار بگیریم و به گونه‌ای عمل کنیم که خوش‌رفتاری و نرم‌خویی در تعاملات روزمره و خدمت‌رسانی آشکار شود. همچنین در مقابل آن‌ها به طرز شایسته قرار بگیریم که نه تنها در حوزه گفتار، بلکه در عمل و رفتار، احترام والدین حفظ شود و در مقابل کنش‌ها و واکنش‌های رفتاری آنها، هنجار خاصی انجام ندهیم. با والدین خود طوری صحبت کنیم که کوچک‌ترین بی‌احترامی متوجه آن‌ها نباشد و موجب آزرده‌گی خاطرشان نشود تا عاق والدین نشویم.

فهرست منابع

قرآن کریم

چهاردهی، مدرسی، شرح صحیفه سجادیه، چاپ اول، تهران: نشر مرتضوی، ۱۳۷۹ش.
حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، چاپ اول، مصحح: مؤسسه آل البيت: قم: مؤسسه آل البيت: ۱۴۰۹ق.
دانشمندان قرن یازده، ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه (سلسله شروح)، چاپ اول، بی جا: چاپ دانشکده باقر العلوم، ۱۳۸۸ش.

طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، چاپ پنجم، قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.
فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، چاپ دوم، تهران: نشر فیض الاسلام، ۱۳۷۶ش.
مدنی، علی خان، ریاض السالکین، چاپ اول، بی جا: نشر دفتر اسلامی، ۱۴۰۹ق.
مغنیه، محمدجواد، فی ظلال الصحیفه السجادیه، قم: ناشر دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۳ق.
ممدوحی کرمانشاهی، حسن، شهود و شناخت، چاپ چهارم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳ش.

*دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم.

۱. اسرا: ۲۳ (وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا). ...

۲. علی نقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح صحیفه السجادیه، ص ۱۵۹.

۳. دانشمندان قرن یازده، ترجمه و شرح (سلسله شروح) صحیفه کامله سجادیه، ج ۱۳، ص ۲۲۳.

۴. علی نقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح صحیفه السجادیه، ص ۱۵۹.

۵. محمدجواد مغنیه، فی ظلال الصحیفه السجادیه، ص ۲۳۹.

۶. مدرسی چهاردهی، شرح صحیفه سجادیه، ص ۳۷۵.

۷. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۷۱.

۸. علی نقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح صحیفه السجادیه، ص ۱۶۶.

۹. دانشمندان قرن یازده، ترجمه و شرح (سلسله شروح) صحیفه کامله سجادیه، ص ۲۳۰.

۱۰. علی نقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح صحیفه السجادیه، ص ۱۶۱.

۱۱. محمدجواد مغنیه، فی ظلال الصحیفه السجادیه، ص ۲۴۲.
۱۲. علی نقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح صحیفه السجادیه، ص ۱۶۱.
۱۳. همان.
۱۴. محمدجواد مغنیه، فی ظلال الصحیفه السجادیه، ص ۲۴۱.
۱۵. علی نقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح صحیفه السجادیه، ص ۱۶۱.
۱۶. <https://article.tebyan.net/240171>].
۱۷. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/2369118>].
۱۸. علی نقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح صحیفه السجادیه، ص ۱۶۱.
۱۹. همان.
۲۰. حسن ممدوحی کرمانشاهی، شهود و شناخت، ج ۲، ص ۳۹۳.
۲۱. علی خان مدنی، ریاض السالکین، ج ۴، ص ۶۱.
۲۲. محمدجواد مغنیه، فی ظلال الصحیفه السجادیه، ص ۲۴۲.
۲۳. احترام عاشقانه به پدر و مادر در سیره شهید قاسم سلیمانی <http://www.boreshha.ir> :
۲۴. لقمان: ۱۴.
۲۵. علی نقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح صحیفه السجادیه، ص ۱۶۱.
۲۶. مدرسی چهاردهی، شرح صحیفه، ص ۳۷۶.
۲۷. علی خان مدنی، ریاض السالکین، ص ۶۳.
۲۸. <https://btid.org/fa/book/94320>].
۲۹. اسرا: ۲۳.

۳۰. علی نقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح صحیفه السجادیه، ص ۱۶۱.

۳۱. علی خان مدنی، ریاض السالکین، ص ۶۱.

۳۲. علی نقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح صحیفه السجادیه، ص ۱۶۲.

۳۳. نساء: ۱۴۹.

۳۴. محمدحسین طباطبائی، المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۲۴.

۳۵. علی نقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح صحیفه السجادیه، ص ۱۶۲.

۳۶. حسن ممدوحی کرمانشاهی، شهود و شناخت، ص ۴۰۴.